

The Role of Shaykh al-Mufid's Fatwa in Transforming Attitudes toward the Shrines of the Ahl al-Bayt

Mahmoud Maleki¹

Abstract

This study examines Shaykh al-Mufid's fatwa regarding the application of certain legal rulings of the Sacred Mosque in Mecca (al-Haram al-Makki) to the shrines of the Ahl al-Bayt. Issued in the late fourth century AH, this fatwa profoundly influenced the sanctity of these sites and played a significant role in the formation of Shi'i sacred cities. The research aims to explore, from historical and philosophical perspectives, how the concept of the Meccan sanctuary was extended to the shrines of the Ahl al-Bayt. The main hypothesis is that Shaykh al-Mufid, through the use of concepts such as metaphor and linguistic interpretation, presented the shrines of the Ahl al-Bayt as analogous to the Meccan sanctuary, thereby initiating major religious and social transformations. The theoretical framework is grounded in Wittgenstein's notion of "seeing-as" and the conceptual metaphor theory developed by Lakoff and Johnson. The findings indicate that this fatwa, by highlighting the sanctity of the shrines of the Ahl al-Bayt, transformed them into highly valued places within Shi'i collective consciousness and contributed to the strengthening of Shi'i social identity. Within the context of Buyid-era construction activities, this development had a lasting impact on the cohesion of the Shi'i community.

Keywords: Shaykh al-Mufid; Religious fatwa; Shrines of the Ahl al-Bayt; Meccan sanctuary; Sanctity; Conceptual metaphor; Seeing-as.

1. Assistant Professor, Research Institute of Islamic Sciences, Bonyad-e Pajouhesh-haye Eslami, Astan Quds Razavi, Iran, (Corresponding Author) mahmoodmaleki@islamic-rf.ir

نقش فتوای شیخ مفید در تغییر نگرش به مشاهد اهل بیت علیهم السلام*

محمودملکی^۱

چکیده

این پژوهش به بررسی فتوای شیخ مفید درباره تطبیق برخی احکام حرم مکه بر مشاهد اهل بیت علیهم السلام می‌پردازد. این فتوا که در اواخر قرن چهارم هجری صادر شد، تأثیری عمیق بر قداست این مکان‌ها و شکل‌گیری شهرهای مقدس شیعی داشت. هدف تحقیق بررسی چگونگی تعمیم مفهوم حرم مکه به مشاهد اهل بیت علیهم السلام از منظر تاریخی و فلسفی است. فرضیه اصلی این است که شیخ مفید با استفاده از مفاهیمی چون استعاره و تفسیر زبانی، مشاهد اهل بیت علیهم السلام را به‌عنوان حرم مکه معرفی می‌کند و از این طریق تحولات مذهبی و اجتماعی مهمی را رقم می‌زند. چارچوب نظری پژوهش بر نظریات ویتگنشتاین درباره «دیدن به عنوان» و استعاره مفهومی لیکاف و جانسون استوار است. یافته‌ها نشان می‌دهد این فتوا با برجسته‌سازی قداست مشاهد اهل بیت علیهم السلام، آنها را به مکان‌هایی با ارزش در ذهنیت شیعیان تبدیل کرد و به تقویت هویت اجتماعی آنان یاری رساند. این امر در بستر ساخت‌وسازهای آل‌بویه، تأثیری ماندگار بر انسجام جامعه شیعی گذاشته است.

واژگان کلیدی: شیخ مفید، فتوای مذهبی، مشاهد اهل بیت علیهم السلام، حرم مکه، قداست، استعاره مفهومی، دیدن به عنوان.



* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۵، تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۱۲/۳۰.

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22081/jtc.2025.70992.1046

۱. استادیار پژوهشکده علوم اسلامی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ایران. (نویسنده مسئول)

mahmoodmaleki@islamic-rf.ir (ORCID: 0009-0004-3807-0298)



کعبه مهم‌ترین مکان مقدسی است که مسلمانان برای آن احترام و حرمت خاصی قائل هستند. مسجدالحرام دربردارنده کعبه و مکه (شهری که مسجدالحرام در آن قرار دارد) و حریم مکه (که به آن حرم می‌گویند) همواره موردتوجه مسلمانان بوده است. مسلمانان حرم مدنی را نیز محترم دانسته‌اند؛ هر چند همواره بر این نکته تأکید کرده‌اند که احکام این حرم با حرم مکه تفاوت دارد و تنها در برخی احکام نه همه آنها با حرم مکه مشترک است. تا اینجا میان مسلمانان اختلافی وجود ندارد و شیعیان و اهل سنت در این باره اتفاق نظر اجمالی دارند. (کلینی، ۱۳۸۷، ج ۹، ص ۲۸۱؛ بخاری، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۲۷۱) اما از دهه‌های پایانی قرن چهارم و شاید اوایل قرن پنجم، شیخ مفید، از مهم‌ترین فقهای شیعه در آن عصر، فتوایی صادر کرد که مشاهد و حرم‌های امامان شیعی را نیز در برخی احکام به حرم مکه ملحق می‌کرد. (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۷۴۴) این اتفاق در زمان حکومت آل‌بویه رخ می‌دهد که توجه به حرم‌ها به‌ویژه در محدوده جغرافیایی این حکومت بیشتر شده است؛ از این رو این فتواناظر به تاریخ تحول حرم‌ها نیز بررسی می‌شود. شهر مقدس یا مذهبی با این تحول، پیوندی اجتناب‌ناپذیر می‌یابد. پس از شیخ مفید، شیخ طوسی شاگرد ایشان در کتاب فتوایی خود، النهایه همین فتوا را صادر می‌کند. ابن براج، ابن ادریس و محقق حلی نیز این فتوا را نقل کرده‌اند. به نظر می‌رسد به دلیل محوری بودن کتاب شرائع الاحکام محقق حلی و نقل وی از النهایه این فتوا همواره موردتوجه فقیهان قرار گرفته است و آن را بارها نقل و نقد کرده‌اند و گاه برایش دلیل یافته‌اند. این فتوا سرآغاز فرهنگی به نام بست‌نشینی بود که زمان صفویه نهادینه شد و تا قرن چهاردهم ادامه داشت.

۱. مفهوم‌شناسی

شهر مذهبی: مذهب یکی از قدیمی‌ترین عوامل اجتماعی برای گردآوردن جمعیت‌ها و ایجاد فرقه‌ها و بالاخره به وجود آوردن اقوام و دولت‌ها بوده است. در مطالعات شهری به مراکزی اجتماعی برخورد می‌کنیم که معتقدات مذهبی، قوی‌ترین عامل در ایجاد این گونه شهرها به شمار می‌روند. این گونه شهرها، معمولاً در اطراف معابد و بقاع متبرکه به وجود می‌آیند و امر

زیارت این اماکن متبرکه با توسعه حمل و نقل و تسهیل تردد، کم‌کم شهری را به وجود می‌آورد (رضوانی، ۱۳۹۰، ص ۹۳).

در عربستان، مکه مکرمه و مدینه منوره؛ در عراق، کربلا و نجف؛ در هندوستان، بنارس و احمدآباد؛ در بریانی، شهر رانگون متعلق به بوداییان؛ در تایلند، شهر بانکوک؛ در تبت، شهر لاهاسا؛ در فلسطین اشغالی، شهر بیت المقدس؛ در ایتالیا، واتیکان و در اسپانیا، شهر سنت سباستین نمونه‌هایی از شهرهای مذهبی هستند. در ایران، مشهد مقدس، قم و شهر ری بهترین نمونه از شهرهای مذهبی هستند که نقش فرهنگی و اسلامی نیز دارند (ضرغام، توحیدلو، ۱۳۹۰، ص ۲۷). در این پژوهش، شهر مذهبی‌ای مقصود است که مقدس هم باشد، بنابراین صرف مذهبی بودن (یک شهر) بدون قداستی که که از مکانی مقدس نشأت گرفته باشد، منظور نیست. همچنین این پژوهش ناظر به شهرهایی است که امام معصوم (علیه السلام) در آنها مدفون هستند؛ از این رو شهرهایی مانند قم و شهر ری از موضوع خارج می‌شوند.

حرم مکه: محدوده‌ای در اطراف مکه است که بدان حرم می‌گویند. این گستره از از مکه فراتر و وسیع‌تر (ابن البراج، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۲۷۳) و با علامت‌هایی، مشخص شده است.

شیخ مفید، عالم شیعی قرن‌های چهارم و پنجم است که در ۴۱۳ ق از دنیا رفت. او را در فقه و کلام و حدیث سرآمد بود و آثار بسیاری از خود بر جای گذاشته است. (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۳۹۹-۴۰۳) کتاب المقننه شیخ مفید از همان روزگار خودش مورد توجه قرار گرفت و شاگردش شیخ طوسی (د ۴۶۰ ق) تهذیب الاحکام را بر محور این اثر نوشت. این اثر، کتاب فتوایی او دانسته شده است. شیخ در مقدمه این کتاب، به اجمال درباره احکام و شرایع و فرائض که پیشوای هدایت‌ورزان، راهنمای جویندگان و امین عابدان است، سخن می‌گوید (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۲۷) همین امر نشان می‌دهد که این کتاب، جنبه عمومی دارد و برای استفاده مردم است؛ از این رو در تحلیل متن این کتاب و هر کتاب فتوایی دیگری باید این نکته را در نظر گرفت.

دیدن به مثابه/عنوان: ویتگنشتاین برای تفسیر گزاره‌ها از اصطلاح «دیدن به مثابه/عنوان: Seeing as» بهره می‌برد. دیدن به عنوان، به مفهوم ادراک جنبه‌ها و تفسیرها در فرآیند مشاهده اشاره دارد. نحوه‌ای که ما چیزی را «می‌بینیم» نه تنها به خود آن چیز وابسته است، بلکه به



چارچوب‌های زبانی و مفهومی ما نیز بستگی دارد. این موضوع، نشان‌دهنده چگونگی تغییر نوع ادراک ما بر اساس تفسیرهای مختلف است. وقتی به شکل معروف اردک - خرگوش^۱ نگاه می‌کنید، در واقع به‌طور محسوس چیزی بیش از چند خط نمی‌بینید، اما آن را گاه خرگوش و زمانی اردک می‌بینید. دلیل این امر، تفسیر است. ما این خطوط را به خرگوش/ اردک تفسیر می‌کنیم. در اینجا امری از پیش تصور شده و مفروض گرفته شده است که سبب می‌شود امر نخست را بر اساس امر متصور، بفهمیم و تفسیر کنیم. در واقع، کسی جنبه‌های اردک یا خرگوش را می‌بیند که از هیئت آن دو حیوان آگاهی دارد (ویتگنشتاین، ۱۴۰۳، ص ۲۹۴). دیدن و تصور کردن، تابع اراده هستند (ویتگنشتاین، ۱۴۰۳، ص ۳۰۱)

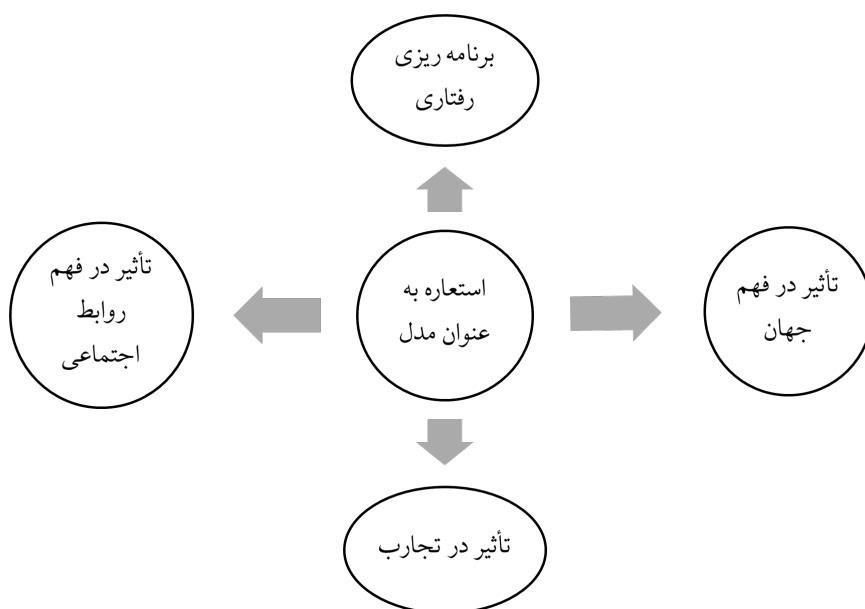
استعاره مفهومی: در استعاره‌های مفهومی (آن هم از نوع ساختاری)، مفهومی به‌شکل استعاری در چارچوب مفهوم دیگری سازمان می‌یابد. (لیکاف و جانسون، ۱۳۹۷، ص ۲۳). در درک استعاره‌ای ما چیز یا تجربه‌ای را از یک نوع، بر حسب چیز یا تجربه‌ای از نوع دیگر درک می‌کنیم (قاسم‌زاده، ۱۳۹۸، ص ۱۱۸) زیرا بیشتر مفاهیم در چارچوب مفاهیمی دیگر، درک و دریافت می‌شوند. برای نمونه، در استعاره «بحث، جنگ است»، مفهوم بحث را در چارچوب مفهوم جنگ درک می‌کنیم. (لیکاف و جانسون، ۱۳۹۷، ص ۱۴-۱۵). در واقع، استعاره در تفکر انسان نقش ایفا می‌کند، بازخورد انسان را مشخص می‌کند، حتی ممکن است انسان بر اساس ادراک استعاری، دست به عمل بزند. (قاسم‌زاده، ۱۳۹۸، ص ۱۱۸) اندیشه و تفکر نیز البته استعاره‌هایی هستند که شباهت میان دو مفهوم را می‌آفرینند (لیکاف و جانسون، ۱۳۹۷، ص ۲۲۹-۲۳۰). یک مفهوم استعاری هم‌زمان با فراهم ساختن امکان تمرکز بر یک جنبه از یک مفهوم، می‌تواند از تمرکز بر جنبه‌های دیگر آن مفهوم که با آن استعاره ناسازگار هستند، سرباز زند (لیکاف و جانسون، ۱۳۹۷، ص ۲۳). نکته مهم دیگری که باید بدان توجه داشت این است که سازماندهی مفهومی به‌واسطه استعاره، بدین معناست که آن مفهوم تنها می‌تواند از برخی جهت‌ها گسترش یابد نه همه جهات؛ زیرا اگر این سازماندهی مطلق بود، یک مفهوم

۱. این شکل در روانشناسی بسیار معروف است و ویتگنشتاین آن را به عنوان نمونه‌ای خوب برای فهم دیدن به مثابه بهره برد و آن را به شهرت رساند.

می‌توانست به راستی مفهوم دیگری باشد، نه اینکه فقط در چارچوب مفهوم، درک شود (لیکاف و جانسون، ۱۳۹۷، ص ۲۷). استعاره، یک مدل فرهنگی به دست می‌دهد که بر اساس آن زنجیره‌ای رفتاری برنامه‌ریزی می‌شود، بیان استعاری برنامه‌ای را در ذهن پدید می‌آورد و انسان را تابع طرح کلی با اجزای مشخص و گام به گام می‌کند. استعاره در تجربه‌های ما اثرگذار است و در فهم فرد از جهان و روابط اجتماعی نیز تأثیر می‌گذارد.

زبان دین نیز در بسیاری از موارد در قالب استعاره‌های مفهومی آمده است؛ از این رو می‌تواند چارچوب‌های فکری را برای دین‌داران فراهم می‌کند، در کنش‌های دین‌داران اثر بگذارد، برنامه‌های رفتاری را برای دین‌داران تعیین کند، تجارب دینی دین‌داران را معنادار و سلوک جمعی دین‌داران را تعیین نماید (قائمی‌نیا، ۱۴۰۱، ص ۳۶۱).

در واقع استعاره را به‌عنوان یک مدل می‌توان چنین ترسیم کرد: (قائمی‌نیا، ۱۴۰۱، ص ۳۵۱)



در این مبحث، میان «دیدن به‌عنوان» و استعاره مفهومی تلفیق می‌کنیم. این تلفیق، بدین نحو است که دیدن الف به‌عنوان ب را در گزاره الف، ب است، صورت‌بندی می‌کنیم و با بهره گرفتن از استعاره مفهومی آن را تحلیل می‌نماییم. در واقع استعاره مفهومی در اینجا نقش کاربردی کردن



دیدن به عنوان را بازی می‌کند؛ زیرا «دیدن به عنوان» بر این نکته تأکید می‌کند که دیدن با تفسیر همراه می‌شود. از اینجا استعاره مفهومی، چگونگی این تفسیر را آشکار می‌کند.

نویسندگان نوشتار پیش‌رو می‌کوشند فتوای شیخ مفید را با بهره بردن از دیدگاه ویتگنشتاین متأخر در تحقیقات فلسفی «دیدن به مثابه» و استفاده از نظریه استعاره مفهومی لیکاف و جانسون، استعاره «مشاهد اهل بیت، حرم مکه است» را تحلیل کند.

شیخ مفید فتواداده است که اگر قاتلی در بیرون از حرم مکه، عامدانه کسی را بکشد و به حرم، پناهنده شود، در حرم قصاص نمی‌شود، بلکه باید با استفاده از اعمال محدودیت‌هایی چون آب ندادن، غذا ندادن، سخن نگفتن با او، خرید و فروش نکردن با او کاری کنند که از حرم بیرون بیاید. این فتوا در مورد دیگر جنایاتی نیز که سبب حد می‌شود صادق است. اما اگر قتل یا جنایت در حرم اتفاق افتاد، قاتل در حرم کشته می‌شود یا بر او حد جاری می‌گردد؛ زیرا او حرمت حرم را وانهاده است. حال اگر جانی مستحق حد، به حرمی از حرم‌های اهل بیت (علیهم‌السلام) پناه ببرد، با او مانند پناهنده به حرم مکه رفتار می‌شود و حد بر او جاری نمی‌گردد، مگر اینکه در حرم مرتکب جنایت شود که در این صورت در همانجا بر او حد جاری می‌شود؛ زیرا او حرمت را حرمت ننهاده و حق آن را ادا نکرده است. (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۷۴۴)

شیخ مفید در اینجا در ابتدا حکم حرم مکه را تبیین می‌کند و بی‌حرمتی به آن را از نگاه دینی رد می‌کند. او حرم مکه را مقدس می‌داند؛ زیرا حرم است و در محدوده حرم برخی اعمال، ممنوع است. البته این مبحث را در محرمات مُحرم حج نیاورده است (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۴۳۱)؛ زیرا ارتباطی با آنجا ندارد و این فتوا در بردارنده غیر محرم هم می‌شود؛ از این رو آن را در موضوع قصاص و دیات مطرح کرده است.

مفید در اینجا مشاهد اهل بیت (علیهم‌السلام) را به حرم مکه ملحق می‌کند و برخی محرمات در حرم مکه را به این مشاهد تعمیم می‌دهد.

شیخ مفید با این فتوا حرم را نه تنها به عنوان قبرهایی مقدس بلکه برای آنها مانند حرم مکه حرمت قائل شده است.

درباره الحاق مشاهد مشرفه به حرم دو مقاله نوشته شده است. نویسندگان در مقاله‌ای با

عنوان «مبانی و دلایل الحاق مشاهد مشرفه به حرم در تغلیظ دیه و تأخیر اجرای حکم» به آرا و دلایل فقهی موافقان و مخالفان پرداخته‌اند و نظر مشهور مبنی بر الحاق مشاهد به حرم را پذیرفته‌اند. (علیان لکّه مرزی و دیگران، ۱۳۹۹، ص ۱۰۹-۱۲۳). نویسندگان مقاله دیگری نیز با عنوان «ارزیابی تحلیلی دیدگاه مصونیت کیفری (حدود) مجرمان پناهنده به مشاهد مشرفه» بر خلاف مقاله نخست، به عدم الحاق مشاهد به حرم مکه نظر داده‌اند. گفتنی است که حرم امام حسین (علیه السلام) را در میان مشاهد استثنا کرده‌اند و به حرم ملحق نموده‌اند. (امیری و دیگران، ۱۴۰۲، ص ۶۹-۱۰۲)

هیچ‌یک از این دو مقاله به موضوع مورد بحث ما یعنی تحلیل اصل فتوا و پیامدهای آن ورود نکرده‌اند و محور بحث هر دو تنها مباحث فقهی بوده است، حال آنکه این نوشتار با بهره گرفتن از ابزارهای فلسفه تحلیلی و یتگنشتاین و استعاره مفهومی به ابعاد غیر فقهی فتوا می‌پردازد. پیش از آغاز بحث باید به این نکته مهم اشاره کنیم که شاید به ذهن خطور کند که تبیین با استفاده از استعاره‌های مفهومی مبتنی بر شباهت است و نتیجه آن قیاسی است که در فقه شیعه مذمت شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۳)، ولی چنین پنداری صحیح نیست؛ زیرا استعاره‌ها هستند که شباهت میان دو مفهوم را می‌آفرینند، نه اینکه شباهت‌ها علت آفرینش استعاره‌ها باشند (لیکاف و جانسون، ۱۳۹۷، ص ۲۲۹-۲۳۰). بنابراین شباهت، نتیجه و محصول استعاره است نه علت آن.

۲. فتوای شیخ مفید و «دیدن به مثابه / عنوان» حرم اهل بیت (علیهم السلام)

حرم‌های اهل بیت و امامان شیعه (علیهم السلام) که در خارج از حجاز به شهادت رسیده‌اند، ابتدا بدون حریم و تنها به شکل قبر بود. شواهد نشان می‌دهند قبرهای امیرالمومنین، امام حسین، امام کاظم و امام جواد (علیهم السلام) حریم خاصی نداشته‌اند، اما برخی شواهد بیانگر آن است که قبر امام رضا (علیه السلام) در قرن چهارم، دیوار داشته است (ابن بابویه، ۱۴۳۷ق، ج ۲، ص ۵۲۳-۵۲۴) مرقد امام رضا (علیه السلام) به دلیل اینکه در زمان آل بویه، در حوزه حکومت سامانیان و غزنویان قرار داشت، از محل بحث ما خارج است. از مشاهد امام‌زادگان نیز به دلیل اینکه فتوا بر محور مشاهد امامان



صادر شده است، بحث نخواهیم کرد.

مقابر اهل بیت (علیهم السلام) نزد شیعیان و حتی دیگر مسلمانان ارزش و قداست خاصی داشتند و زیارتگاه و مقدس شمرده می شدند. بیش از همه جنبه زیارتی این قبور بود که سبب می شد شیعیان برای طلب قرب الهی و توسل به اهل بیت (علیهم السلام)، به زیارت این مکان ها بشتابند. این بُعد زیارتی، بُعدی ملموس و مشخص از حضور شیعیان در این اماکن به شمار می آمد. اما با گذشت زمان و ساخت حریم ها و دیوارهای محافظتی در اطراف این قبور، مسئله گسترش فیزیکی این اماکن مطرح شد و این پرسش به وجود آمد که آیا حرم های ایجاد شده، احکام و حرمت های خاصی دارند، یا بخش های گسترش یافته همچنان مانند دیگر مکان های زیارتی معمولی در نظر گرفته می شوند؟

به نظر می رسد این پرسش هم زمان یا شاید کمی زودتر از نخستین فتاوا در این موضوع، یعنی فتوای شیخ مفید، مطرح شده باشد. این مسئله در واقع جنبه جدیدی از مکان های مقدس را وارد گفتمان مذهبی نکرد؛ بلکه ابعادی تازه از مزار را نمایان و برجسته نمود. یکی از جنبه های برجسته ای که توسط شیخ مفید مطرح شد، موضوع پناهندگی به مشاهد اهل بیت (علیهم السلام) بود. این ایده که شخص مجرم یا گناهکار می تواند به حرم اهل بیت (علیهم السلام) پناه ببرد، پیش از این فتوا به دلایل اجتماعی، سیاسی یا فقهی چندان مورد توجه قرار نگرفته بود. فتوای شیخ مفید در این راستا نه تنها نگاه جدیدی را به مقوله حرم مطرح کرد، بلکه جایگاه این حرم ها را به سطحی نزدیک به حرمت و قداست حرم مکه و مدینه رساند.

شیخ مفید مشاهد اهل بیت (علیهم السلام) را همچون حرم مکه، محلی برای حرمت گذاری و پناهندگی معرفی کرد. در میان مسلمانان، احترام به حرم مکه، جایگاهی ویژه داشت و زیارت کنندگان با ورود به این حرم، رفتارهایی خاص و متناسب با این مکان مقدس از خود نشان می دادند. این نگاه به حرم مکه، به نوعی دیگر توسط شیخ مفید به مشاهد اهل بیت (علیهم السلام) تعمیم یافت. با این توصیف، شیخ مفید کوشید جنبه ای تازه از جایگاه مشاهد مشرفه اهل بیت (علیهم السلام) را آشکار کند و توجه جامعه شیعه را به قداست و معنویت این اماکن جلب کند.

تفسیر مشاهد اهل بیت (علیهم السلام) به مثابه حرم مکه، نیازمند شناخت عمیق از ویژگی ها و جایگاه

معنوی و فقهی حرم مکه است و شیخ مفید به عنوان فقیه و متکلم برجسته شیعه، این آگاهی را داشت. وی با این تفسیر نه تنها شأن مشاهد اهل بیت (علیهم السلام) را برجسته ساخت، بلکه این امکان را به شیعیان داد که درباره ابعاد مختلف زیارت را از منظر عبادی و اجتماعی بازنگری کنند و نگاه خود را نسبت به این مکان های مقدس متحول سازند. از این رهگذر، مشاهد اهل بیت (علیهم السلام) در ذهن و فرهنگ شیعیان، جایگاهی والا و هم طراز با برخی از مقدس ترین اماکن اسلامی یافت. به نظر می رسد آغاز شکل گیری مفهوم «حرم» برای مشاهد اهل بیت (علیهم السلام) از همین زمان بوده است.

۳. استعاره «مشاهد اهل بیت (علیهم السلام) حرم مکه است»

استعاره «مشاهد اهل بیت (علیهم السلام)، حرم مکه است»، درک عمیقی از باورها و ارزش های مذهبی شیعیان ارائه می دهد. از نگاه تفسیری، این استعاره به خوبی نشان می دهد که چگونه حرم مکه به عنوان قلمروی مقدس، نقش مفسر و چارچوب دهنده به مفهوم مشاهد اهل بیت (علیهم السلام) را ایفا می کند. با توجه به این دیدگاه، حرم مکه، نقشی فراتر از یک مکان مقدس دارد و به عنوان نمونه ای از تقدس و احترام، به درک مفاهیم مرتبط با مشاهد اهل بیت (علیهم السلام) کمک می کند. در این فرآیند، همانندی در ارزش ها و تقدسات از مکه به این مشاهد انتقال می یابد.

حرم مکه از منظر تاریخی و مذهبی جایگاهی ویژه در میان مسلمانان کسب کرده است. تفکیک میان «حرم» و «حل»، یعنی محدوده های داخلی و خارجی مکه، به درک این جایگاه کمک می کند. این تمایز، از یک سو نشانگر قدرت معنوی فضای مقدس حرم است و از سوی دیگر، مشاهد اهل بیت (علیهم السلام) را به این تقدس نزدیک تر می سازد. از دیدگاه استعاری، چنین فضایی زمینه ساز درک متفاوتی از مفهوم مشاهد اهل بیت (علیهم السلام) می گردد. این مقایسه نشان می دهد مشاهد اهل بیت (علیهم السلام) نیز حرمت و ارزش والایی دارند که می توان آن را به شیوه ای قیاسی تبیین کرد. این فرایند قیاسی چنین است:

حرم مکه حرمت دارد، مشاهد اهل بیت (علیهم السلام) همانند حرم مکه هستند، پس مشاهد اهل بیت (علیهم السلام) نیز حرمت دارند.

تفکر استعاری در این بستر فراتر از یک ابزار مفهومی عمل می کند و به بُعد استدلالی نیز



کشیده می‌شود. از طریق این استعاره، افراد به‌طور ذهنی مجاب می‌شوند که مشاهد اهل بیت (علیهم‌السلام) نیز همچون حرم مکه قابل احترام و دارای تقدس هستند. این استدلال نه‌تنها از لحاظ مذهبی بلکه از جهت فرهنگی و اجتماعی نیز نقشی مهم دارد. برای افراد باورمند به چنین مبنایی، نوعی هویت جمعی ایجاد شده است که تفاوت‌های آنان را با جهان‌بینی‌های مخالف/متفاوت مشخص می‌سازد. به بیان دیگر، این استعاره تنها برای تبیین تقدسات نیست، بلکه ابزاری هویت‌ساز است که حد و مرزهای باورها و اعتقادات را نیز تعریف می‌کند.

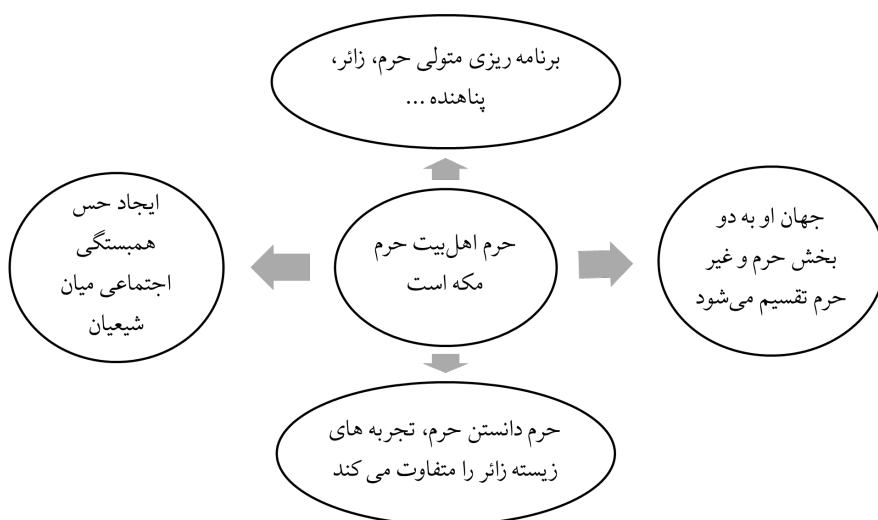
این استعاره نه‌تنها از لحاظ مفهومی، بلکه از لحاظ عملی نیز اثرگذار است. رفتارهای اجتماعی شیعیان بر اساس این باور شکل می‌گیرد. از جمله این رفتارها می‌توان به پناه بردن مجرمان به حرم اشاره کرد. در باور شیعیان، حرم به‌عنوان مکانی مقدس از تعرض و تعدی در امان است و حتی گناهکاران نیز می‌توانند به آن پناه ببرند. این رفتار بر اساس مدل فرهنگی‌ای است که این استعاره در ذهن افراد ایجاد کرده است. افزون بر این، حاکمان نیز در عمل نمی‌توانند با استفاده از زور، فرد مجرم را از حرم خارج کرده و مجازات کنند. این محدودیت قدرت سیاسی، جایگاهی ویژه به حرم اهل بیت (علیهم‌السلام) می‌بخشد که فراتر از حدود انسانی و اجتماعی است و ارتباطی عمیق با تقدسات الهی برقرار می‌کند.

البته باید توجه داشت که این استعاره نمی‌تواند تمام جنبه‌های مشاهد اهل بیت (علیهم‌السلام) را پوشش دهد. اگر مشاهد اهل بیت (علیهم‌السلام) به‌طور کامل با مفهوم حرم مکه تطبیق‌پذیر بود، دیگر به این قیاس استعاری نیازی وجود نداشت. این مشاهد تنها در چارچوب حرم مکه قابل تفسیر نیست و ابعاد و وجوه خاص خود را داراست. از این رو، این استعاره تنها بخشی از مفهوم کلی مشاهد اهل بیت (علیهم‌السلام) را توضیح می‌دهد.

از جنبه‌ای دیگر، این استعاره آثار اجتماعی مهمی نیز دارد. باورمندان به این استعاره، جهان خود را به دو بخش حرم و غیرحرم تقسیم می‌کنند و این تقسیم‌بندی بر رفتارها، تصمیم‌گیری‌ها و الگوهای زندگی آنان اثر می‌گذارد. برای مثال، احترام به حرم اهل بیت (علیهم‌السلام) نه‌تنها در محدوده زیارت‌ها، بلکه در تمام جنبه‌های زندگی شیعیان نمود می‌یابد. به همین دلیل می‌توان گفت که این استعاره تأثیرات عمیقی بر انسجام و همبستگی اجتماعی شیعیان دارد. این حس همبستگی،

آنان را از دیگر گروه‌های مذهبی متمایز می‌کند و پایه‌ای برای هویت جمعی آنان فراهم می‌آورد. از سوی دیگر، این استعاره نوعی نظم فرهنگی ایجاد می‌کند. همان‌طور که مجرمان به حرم پناه می‌برند، متولیان مشاهد نیز رفتار خود را بر اساس این تقدس سامان می‌دهند. این نظم فرهنگی در واقع نوعی برنامه‌ریزی ذهنی ایجاد می‌کند و افراد را تابع طرحی کلی می‌سازد که از این استعاره نشأت گرفته است. به بیان دیگر، این استعاره نه تنها تقدسات را توجیه می‌کند، بلکه به‌عنوان یک الگوی فرهنگی عمل می‌کند که رفتارهای مختلف در جامعه را تنظیم می‌نماید.

در نهایت می‌توان گفت که استعاره «مشاهد اهل بیت (علیهم‌السلام)، حرم مکه» نمادی از تفکر استعاری در دین و فرهنگ اسلامی است که کارکردهایی گوناگون دارد. این استعاره، افزون بر اینکه به درک تقدسات مذهبی کمک می‌کند، هویتی اجتماعی و فرهنگی می‌سازد که رفتارهای افراد را در چارچوب ارزش‌ها و باورهای دینی تنظیم می‌کند. اگرچه این استعاره نمی‌تواند تمام ابعاد مفهوم مشاهد اهل بیت (علیهم‌السلام) را بازبنماید و مفهوم حرم را نمایندگی می‌کند، اما چارچوبی مفید برای تحلیل و درک این مفهوم ارائه می‌دهد که در هویت و انسجام اجتماعی شیعیان نقشی اساسی دارد.





۴. قرن چهارم و حرم‌های اهل بیت (علیهم‌السلام)

فتوای شیخ مفید که در دهه‌های پایانی قرن چهارم یا آغاز قرن پنجم صادر شد، نه تنها نقطه آغاز تحولات دینی بلکه نقطه عطفی در تاریخ تحول حرم‌ها و شکل‌گیری شهرهای مقدس در شیعه بود. از این‌رو بررسی این فتوا تنها از منظر فقهی کافی نیست، بلکه باید آن را در زمینه‌های تاریخی، اجتماعی و سیاسی نیز تحلیل کرد. این فتوا که از سوی برجسته‌ترین فقیه آن زمان، شیخ مفید، صادر شد، مشاهد امامان شیعه (علیهم‌السلام) را در برخی احکام به حرم مکه ملحق کرد. بر این اساس، مفهوم حرم، مفهومی مهم است که باور، بینش، نگرش و رفتارهای فردی و اجتماعی را به دنبال دارد. این فتوا، دوره‌ای تاریخی و تحول‌آفرین را نشان می‌دهد که در قرون چهارم و پنجم به‌ویژه زمان حکومت آل‌بویه رخ داد. در این دوره، توجهی ویژه مشاهد امامان شیعه (علیهم‌السلام) در محدوده این حکومت صورت گرفت و به تقویت جایگاه آنان انجامید.

بعجاست در اینجا توجه حاکمان شیعی به‌ویژه آل‌بویه به این مشاهد را از منظر تاریخی بررسییم تا چگونگی توجه آنان به این مشاهد را در ادامه بحث بهتر درک کنیم.

عضدالدوله در سال ۳۶۵ ق به نجف رفت و یکسال در نجف ماند و قبه‌ای بلند و ساختمانی بزرگ بر قبر حضرت ساخت. در این ساخت‌وساز او برای حرم، دیوار هم بنا کرد و روی آن را با چوب درخت ساج پوشاند. (موسوی زنجانی، ۱۴۰۵ ق، ص ۶۲)

در سال ۴۰۰ ق حسن بن فضل بن سهلان وزیر آل‌بویه سخت بیمار شد، نذر کرد اگر از این بیماری شفا یابد، دیواری برای مشهد امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) بنا کند. او از این بیماری شفا یافت. ابواسحاق ارجانی ساخت این دیوار را بر عهده گرفت. (ابن اثیر، ۱۳۸۵ ق، ج ۹، ص ۱۵۴). برخی گزارش کرده‌اند حسن بن فضل این دیوار را تکمیل کرد. (ابن کثیر، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۱: ص ۳۴۲) ذهبی بدون اشاره به بیماری حسن بن فضل گفته است وی به دلیل حملات بادیه‌نشین‌ها به مشهد علی (علیه‌السلام) از اموال خود دیواری مستحکم ساخت و و مشهد را درارای حصن و بارو کرد (ذهبی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲۷، ص ۲۴۳) چنانکه گفتیم به نظر می‌رسد این سور و دیوار، دیوار شهر نجف است، نه دیوار مشهد امیرالمؤمنین؛ زیرا مشهد پیش از این سور داشته است. (حکیم، ۱۴۲۷ ق، ج ۱، ص ۳۲۴). این نذر نشان می‌دهد هدف او استشفای به سبب قبر حضرت بوده

است؛ از این رو به عمارت و حفظ این شهر از اذیت و آزار بادیه‌نشینان اهتمام کرده است. در واقع ساخت دیوار برای مراقبت از شهر به دلیل باور مذهبی وزیر بوده است. این باور مذهبی به قداست و حرمت مرقد حضرت امیر (علیه السلام) سبب شد شهر نجف دارای برج و بارو حصار شود و امنیت ساکنان شهر تأمین گردد.

در سال ۳۷۱ نیز عضدالدوله قبه‌ای بلند با چندین رواق بر مرقد امام حسین (علیه السلام) بنا نهاد. خانه‌ها را در اطراف مرقد و بازارها را آباد کرد. وی حتی برای کربلا نیز دیوارهایی بلند ساخت و شهر را دارای حصن و بار کرد (حکیم، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۸۳). تعبیر «عمر حولها بیوتا» نشان می‌دهد او دیواری برای مرقد ساخت؛ زیرا وقتی در سال ۴۰۷ق پس از آتش‌سوزی در مشهد الحسین (علیه السلام) و آتش گرفتن رواق‌ها، ابوالحسن بن فضل رامهرمزی از وزرای آل بویه برای حرم امام حسین (علیه السلام) دیواری بنا نهاد. (ابن جوزی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص ۱۲۰). این نشان می‌دهد که دیوارهای زمان عضدالدوله به دلیل آتش‌سوزی از بین رفته است و رامهرمزی دوباره دیوارها را از نو ساخته است.

چنان که پیداست ساخت دیوار برای حرم امام حسین (علیه السلام) و برای شهر کربلا همزمان مورد توجه و اهتمام آل بویه بوده است.

در نخستین سال‌های قرن چهارم خانه‌های اطراف مقابر قریش بسیار بودند (آل یاسین، ۱۳۹۰ق، ص ۱۲). در سال ۳۳۶ معزالدوله ساختمان قدیمی امام کاظم و امام جواد (علیهما السلام) را برداشت، ساختمانی بزرگ بر مرقد امامان بنانهاد و بر فراز این ساختمان، دو قبه ساخت. صحنی وسیع با دیوارهایی بلند نیز در مقابل این ساختمان بنا کرد (خلیلی، ۱۴۰۷ق، ج ۹، قسم الکاظمین ۱، ص ۱۶۳). در سال ۳۶۹ عضدالدوله اطراف بناهای این مشهد، دیواری ساخت (همان، ص ۱۶۴). در سال ۳۷۱ عضدالدوله میان محله کرخ بغداد و مرقد دو امام در کاظمیه، بیمارستان عضدی را بنا نهاد که برای استفاده زائران بود (موسوی زنجانی، ۱۴۰۵، ص ۱۰۹). از زمان آل بویه خوف و هراس شیعیان از بین رفت و خیل بسیاری برای زیارت می‌آمدند، به همین دلیل ساخت خانه در اطراف حرم زیاد شد. سه سرباز از حرم محافظت می‌کردند و معزالدوله نیز با بزرگان دولت هر پنج‌شنبه به زیارت می‌آمدند، شب جمعه را در خانه‌ای بزرگ پیرامون مشهد



می ماندند و روز جمعه باز می گشتند (خلیلی، ۱۴۰۷ق، ج ۹، قسم الکاظمین ۱، ص ۱۶۳). سکونت در اطراف این دو مشهد در نیمه دوم قرن چهارم باز هم بیشتر شد. از برخی گزارش ها استفاده می شود که در نیمه قرن پنجم علویان بسیاری داخل و خارج دیوارهای مشهد ساکن بودند. (آل یاسین، ۱۳۹۰ق، ص ۱۳). این نشان می دهد که دیوارهای مشهد بیش از حد متعارف بودند، به گونه ای که عده ای در آن زندگی می کردند. آل یاسین حدس می زند آغاز جدایی کاظمیه از بغداد در نیمه دوم قرن پنجم رخ داده است. اما تبدیل شدن آن به شهری مانند شهرهای دیگر تا پایان خلافت عباسیان در قرن هفتم به طول انجامید (آل یاسین، ۱۳۹۰ق، ص ۱۵). اما چیزی که آشکار است دیوار داشتن حرم در زمان آل بویه است. این دیوارها به دست حاکمان شیعی این حکومت بنا نهاده شدند و در ادامه شهر شدن کاظمیه نیز به دلیل این مشهد بوده است.

نخستین کسی که برای قبور امام عسکری و امام هادی (علیهما السلام) دیوار ساخت، ناصرالدوله حمدانی شیعی در سال ۳۳۳ق بود. او در همین سال برای شهر سامرا نیز دیار ساخت. پس از او معزالدوله در سال ۳۳۷ق صحن و دیوار را تجدید بنا کرد. عضدالدوله در سال ۳۶۸ روضه را با ساج تزئین نمود، رواق ها را تعمیر و صحن را توسعه داد و دیوارها را محکم کرد (موسوی زنجانی، ۱۴۰۵ق، ص ۱۲۵-۱۲۶). در مورد سامرا هم می بینیم که دیوار داشتن حرم با حصار کشیدن برای شهر، همزمان رخ داده است و این کار را در هر دو مرحله، حاکمان شیعه انجام داده اند. برخی یکی از علل بقای سامرا تا امروز را همین عتبه های مقدس می دانند (خلیلی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۲، سامرا، ص ۱۱۰). چنان که می بینیم امنیت شهر به دلیل حصن و باروها و بقای آن نیز به سبب به وجود مشاهد این دو امام (علیهما السلام) بوده است.

این موارد نشانگر آن است که شهرهای مذهبی، تقدس و حرمت خود را از از مشاهدی گرفته اند که درون آن هاست و دارای حریم شده اند. در واقع حریم دار شدن شهرهای مذهبی و شکل گیری مفهوم حرم حرمت را به مزار اختصاص نداده و به شهر نیز سرایت کرده است.

امنیت این شهرها هم به لحاظ دیواردار شدن نیز مرهون وجود همین مشاهد است. همزمان که این مشاهد دارای حریم می شوند، شهرها نیز دارای سور و دیوار می شوند (کربلا، نجف و سامرا) و این نشان می دهد که نه تنها حرمت، بلکه امنیت این شهرها نیز به وجود این مشاهد

همبسته شده است. در واقع از یکسو امنیت حرم، وابسته به امنیت شهر گردیده است و از سوی دیگر، شهر نیز دارای دیوار شده است؛ به دیگر بیان، شهر نیز به نوعی حرم برشمرده شده است. اینجاست که شهر مذهبی هویت خود را از مشاهد می‌گیرد و دارای تقدس و حرمت می‌گردد. از این رو اقتضاهای شهر مذهبی و مقدس باید با توجه به مشاهد مورد توجه قرار گیرد. به تعبیری شهر مقدس، تقدس را درون خود دارد، بلکه بالاتر، با تقدس و حرمت حیات می‌یابد و بدون آن شهری مانند دیگر شهرهاست.

۵. فتوای فقیهان تا قرن دهم

اکنون فتوای عالمان شیعه پس از شیخ مفید را بررسی می‌کنیم تا تأثیر این فتوا و تداوم آن در فقه شیعه را به طور اجمال دریابیم.

شاگرد برجسته شیخ مفید، شیخ طوسی (د ۴۶۰ق)، این فتوا را در کتاب فتوایی خود النهایه مطرح کرد. (طوسی، ۱۴۰۰ق، ص ۷۵۶) این روند توسط ابن براج (د ۴۸۱ق) شاگرد شیخ طوسی ادامه یافت. عبارت وی نشان می‌دهد از النهایه اقتباس کرده است (ابن البراج، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۵۱۶). ابن ادریس (د ۵۹۸) نیز این فتوا را نقل و تبیین کرده است (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۳۶۴). محقق حلی (د ۶۷۶ق) نیز در شرائع الاسلام به این فتوا و منبع آن یعنی النهایه تصریح کرده است (محقق حلی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۱۰۱۸). محقق در نکت النهایه که شرحی بر النهایه است این نظر را می‌پذیرد (محقق حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۴۰۵). کتاب النهایه و شرائع الاسلام به دلیل جایگاه برجسته‌ای که در میان متون فقهی داشتند، نقش مهمی در گسترش و نهادینه‌سازی این فتوا بازی کردند. علامه حلی (د ۷۲۶ق) در تلخیص المرام و قواعد الاحکام (۱۴۲۱ق، ص ۳۵۶؛ ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۶۶۷)، فخر المحققین (د ۷۷۱ق) در ایضاح الفوائد (۱۳۸۷ق، ج ۴، ص ۶۸۱)، شهید اول (د ۷۸۶ق) در غایة المراد (۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۴۹۸) سیوری حلی (د ۸۲۶) در التنقیح الرائع لمختصر الشرائع (۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۴۶۰)، مفلح صیمری (د پس از ۸۷۳ق) در غایة المرام فی شرح شرائع الاسلام (۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۴۲۰-۴۲۲)، شهید ثانی (د ۹۶۶ق) در مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام (۱۴۱۳ق، ج ۱۵،

ص ۳۲۲) هر یک به تأیید و گاه نقد این فتوا پرداخته‌اند.

این تکرارها به نهادینه شدن مفهوم حرم انجامید و آثاری نیز در طول تاریخ از خود برجا گذاشت.

نتیجه‌گیری

این مقاله حول محور تحلیل فتوای شیخ مفید در قرن چهارم هجری و جایگاه مشاهد اهل بیت (علیهم‌السلام) در تطبیق با مفهوم حرم مکه شکل گرفته است. فتوا شیخ مفید مبنایی برای تغییر نگرش و تفکر شیعیان نسبت به قداست و حرمت مشاهد اهل بیت (علیهم‌السلام) فراهم نمود و به نوعی ابعاد زیارتی، عبادی و اجتماعی این مکان‌های مقدس را دگرگون ساخت. شیخ مفید با فتوا دادن بر غیرممکن بودن اجرای حدود در حرم‌های اهل بیت (علیهم‌السلام) مگر در شرایط خاص، نه تنها به این مکان‌ها نقش معنوی و مقدس بخشید، بلکه جایگاهی اجتماعی نیز برای‌شان تعیین نمود که در باور شیعیان و تاریخ تحولات مذهبی ماندگار شد.

مشاهد اهل بیت (علیهم‌السلام) از یک مکان زیارتی به فضایی تبدیل شدند که قداست و حرمت آنها به نوعی با حرم مکه برابر دانسته شد. استدلال فقهی شیخ مفید که ویژگی‌های حرم مکه را به مشاهد اهل بیت (علیهم‌السلام) تعمیم داد، دو جنبه اصلی داشت: نخست، تأکید بر حرم به مثابه مکانی مقدس که پناهگاهی امن برای افراد، حتی گناهکاران، است؛ دوم، این نگاه استعاری که مشاهد اهل بیت (علیهم‌السلام) نیز همانند حرم مکه، قوانین حمایتی و محدودیتی دارند. این تفکر، نقشی مهم در نهادینه‌سازی احترام به مشاهد اهل بیت (علیهم‌السلام) در میان شیعیان داشت.

در این مقاله همچنین مفاهیم و ابزارهای فلسفی و زبان‌شناختی مانند استعاره مفهومی «مشاهد اهل بیت (علیهم‌السلام)، حرم مکه است» و مفهوم «دیدن به عنوان» از ویتگنشتاین مورد استفاده قرار گرفت. این استعاره برای باورمندان، تصویری فراتر از زیارت و ابعاد عبادی برای مشاهد اهل بیت (علیهم‌السلام) تصویر می‌کند و موجب می‌شود تا آن را در چارچوبی همچون حرم مکه ببینند. این تحولات نه تنها بر اعتقادات و اعمال مذهبی شیعیان تأثیر داشت، بلکه هویت جمعی آنان را نیز تقویت کرد.

فتوای شیخ مفید، همگام با دوران حکومت آل‌بویه، تأثیری بسزا در شکل‌گیری هویت
مشاهد داشت. در این دوره، حرم‌های اهل بیت (علیهم‌السلام) به فضاهایی با حرمت و امنیت ویژه تبدیل
شدند که نقشی محوری در توسعه شهرهای مقدس مانند نجف و کربلا داشتند. حکومت
آل‌بویه با ساخت‌وسازهایی نظیر دیوارها و رواق‌ها، بر حرمت این مکان‌ها افزود و آنها را به مرکز
هویت‌های مذهبی-اجتماعی تبدیل کرد.

این فتوا نه تنها در دوران شیخ مفید، بلکه در قرون بعد نیز توسط فقیهان برجسته شیعه تکرار
و تأیید شد و توسعه یافت. این نهادینه‌سازی مفهومی به تصویب فرهنگی به نام «بست‌نشینی» در
دوران صفویه انجامید که به گناهکاران اجازه می‌داد در این حرم‌ها پناه گیرند. این سنت تا دوران
پهلوی ادامه داشت و بخشی از فرهنگ مذهبی شیعه به‌شمار می‌آمد.

از منظر تاریخی، رابطه‌ای مستقیم میان تحولات حرم‌ها و شکل‌گیری شهرهای مقدس وجود
دارد. فتوای شیخ مفید و تحرکات حکومت آل‌بویه موجب شد تا نجف، کربلا و دیگر شهرهای
مذهبی افزون بر معنویت، به محورهای امنیت و انسجام اجتماعی تبدیل شوند. این شهرها نه تنها
بر پایه تقدس، بلکه با خلق ساختاری مبتنی بر حفظ ارزش‌ها و باورهای مذهبی شیعه، به مرکز
هویت‌سازی تبدیل شدند.

در نهایت، تحلیل فتوای شیخ مفید و مقایسهٔ مشاهد اهل بیت (علیهم‌السلام) با حرم مکه، نشان
می‌دهد چگونه مفاهیم فقهی و استعاره‌ای توانستند معنویت، حرمت، و همچنین هویت جمعی
در میان شیعیان را تقویت کنند. این رابطه میان تاریخ و معنا، همچنان بخشی از گفتمان مدرن
مذهبی شیعه است. حرم‌های اهل بیت (علیهم‌السلام) به عنوان فضایی مقدس و استعاره‌ای از فضای الهی،
پیوندی میان تاریخ، مذهب و اجتماع برقرار کرده‌اند.

منابع

۱. ابن اثیر، عزالدین أبوالحسن علی بن ابی‌الکرم (۱۳۸۵). الکامل فی التاریخ. بیروت: دارصادر.
۲. ابن ادريس حلی، محمد بن منصور (۱۴۱۰ق). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی. چاپ دوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳. ابن بابویه (صدوق) محمد بن علی (۱۴۳۷ق). عیون اخبار الرضا. قم: مؤسسه آل‌البيت علیهم‌السلام.
۴. ابن جوزی، عبدالرحمان بن علی (۱۴۱۲ق). المنتظم فی تاریخ الامم والملوک (تحقیق زرورزور نعیم). بیروت: دار الکتب العلمیه منشورات محمد علی بیضون.
۵. ابن البراج، قاضی عبدالعزیز (۱۴۰۶ق). المذهب. چاپ اول. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۶. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۷ق). البداية و النهایه. تحقیق: ترکی عبدالله بن عبدالمحسن. جیزه: مرکز البحوث و الدراسات العربیة و الاسلامیة بدار هجر.
۷. امیری، مصطفی و همکاران (۱۴۰۲ش). «ارزیابی تحلیلی دیدگاه کصونیت کيفری (حدود) مجرمان پناهنده به مشاهد مشرفه». جستارهای فقهی و اصولی. سال ۹. شماره ۳۳. صص: ۶۹-۱۰۲.
۸. آل یاسین، محمد حسن (۱۳۹۰ق). «لمحات من تاریخ الکاظمیه». البلاغ. سال ۳. شماره‌های ۳ و ۴. صص: ۷-۳۸.
۹. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۱۰ق). صحیح البخاری. قاهره: وزارة اوقاف.
۱۰. حکیم، حسن عیسی (۱۴۲۷ق). المفصل فی تاریخ النجف الأشرف. قم: المكتبة الحیدریه.
۱۱. حلی فخر المحققین، محمد بن حسن بن یوسف (۱۳۸۷ق). ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۱۲. الخلیلی، جعفر (۱۴۰۷ق). موسوعة العتبات المقدسة. بیروت: مؤسسه اعلمی.

۱۳. ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد (۱۴۰۹ق). تاریخ الاسلام ووفیات المشاهیر و الاعلام. بیروت: دارالکتاب العربی.
۱۴. رضوانی، علی اصغر (۱۳۹۰ش). جغرافیا و صنعت گردشگری. چاپ دهم تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
۱۵. سیوری حلی، مقداد بن عبدالله (۱۴۰۴ق). التنقیح الرائع لمختصر الشرائع (تحقیق سید عبداللطیف حسینی کوه کمری. چاپ اول). قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
۱۶. صیمری، مفلح بن حسن (حسین) (۱۴۲۰ق). غایة المرام فی شرح شرائع الإسلام. ۴ جلد. بیروت: دارالهادی.
۱۷. ضرغام، حمید، توحیدلو، معصومه (۱۳۹۰ش). «الگوی مدیریت اثربخش گردشگری. مطالعه موردی مقصد مذهبی مشهد». فصلنامه مطالعات گردشگری. سال ۷. ش ۱۶. ص ۲۵-۵۲.
۱۸. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۰ق). النهایه فی مجرد الفقه و الفتوی. بیروت: دار الکتاب العربی.
۱۹. عاملی شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۴ق). غایة المرام فی شرح نکت الإرشاد. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۲۰. عاملی شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳ق). مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام. قم: مؤسسه معارف اسلامی.
۲۱. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۲۱ق). تلخیص المرام فی معرفة الأحكام. تحقیق: هادی قیسی (چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۲. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳ق). قواعد الأحكام فی معرفة الحلال و الحرام (چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۳. علیان لله مرزی، سلمان و همکاران (۱۳۹۹ش). «مبانی و دلایل الحاق مشاهد



مشفه به حرم در تغلیظ دیه و تأخیر اجرای حکم». فقه و اصول. سال ۵۲. ش ۱۲۳. ص ۱۰۹-۱۲۳.

۲۴. قاسم‌زاده، حبیب‌الله (۱۳۹۸ش). مقدمه‌ای بر شناخت پژوهی استعاره (چاپ اول). تهران: ارجمند.

۲۵. قائمی‌نیا، علیرضا (۱۴۰۱ش). دین و مدل‌های فرهنگی (چاپ اول). تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۷ش). کافی (چاپ اول). قم: دار الحدیث.

۲۷. لیکاف، جرج و مارک جانسون (۱۳۹۷ش). استعاره‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌کنیم (ترجمه هاجر آقا ابراهیمی، چاپ سوم). تهران: نشر علم.

۲۸. محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۹ق). شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام. تهران: استقلال.

۲۹. محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۱۲ق). نکت النهایه (چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۳۰. مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق). المقنعه (چاپ اول). قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.

۳۱. موسوی زنجانی، سید ابراهیم (۱۴۰۵ق). جولة فی الاماکن المقدسة (چاپ اول). بیروت: مؤسسه اعلمی.

۳۲. نجاشی، احمد بن علی (۱۴۰۷ق). فهرست اسماء مصنفی الشیعه. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۳۳. ویگنشتاین، لودویگ (۱۴۰۳ش). تحقیقات فلسفی (ترجمه مالک رحمتی، چاپ سوم). تهران: هرمس و کرگدن.